

زندگینامه استاد ایرج افشار

افشار (afshār)، ایرج (۱۳۰۴-۱۳۸۹ ش)، ایران شناس، کتابشناس و از اعضای شورای عالی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. او از پراثرترین پژوهشگران معاصر ایران است و گسترهٔ پهنآوری از فعالیتها، از جمله سردبیری چند نشریه فرهنگی و همکاری با آنها، کتابداری، فهرست‌نگاری، نسخه‌شناسی، تدریس دانشگاهی در داخل و گاه در خارج، مطالعات ایران‌شناسی، قاجارپژوهی، همکاری در سطوح مختلف با نهادهای متعدد پژوهشی و ایران‌شناسی و کتابخانه‌ها و مراکز نسخه‌های خطی، از عرصه‌های تکاپوی فرهنگی - پژوهشی اوست. سلامت جسمی و روحی، جدیت و مداومت خستگی‌ناپذیر در کار، ساده‌زیستی و پرهیز جدی از اتلاف وقت، موجب شده است که حاصل عمر او تا این زمان، آثاری پرشمار اعم از کتاب، مقاله، تصحیح متون، انواع فهرستها، کتابشناسی‌ها، نطق‌ها و خطابه‌ها، یادداشت‌ها و نوشته‌های دیگر باشد.

ایرج افشار در تهران و در خانواده‌ای یزدی و با فرهنگ زاده شد. پدرش محمود افشار یزدی از شخصیت‌های فرهنگی و ایراندوست زمان خود بود. ایرج در مدرسه‌های شاهپور و فیروز بهرام در تهران تحصیل کرد و در ۱۳۲۸ش از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران در رشتهٔ قضایی فارغ‌التحصیل شد. از ۱۹سالگی در ادارهٔ امور مختلف مجلهٔ آینده دستیار پدرش بود و نخستین تجربه‌های اداره و انتشار نشریه‌ای فرهنگی را از این راه و با کار عملی آموخت. در دورهٔ دانشجویی با مجلهٔ جهان نو همکاری کرد. در ۱۳۲۹ش در دبیرستانهای تهران به تدریس پرداخت و در ۱۳۳۰ش به دانشگاه تهران منتقل، و در کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق، که بزرگترین کتابخانهٔ دانشکده‌ای ایران در آن سالها بود، به کتابداری مشغول شد و فنون کتابداری را از طریق عملی و تجربی آموخت. جدا از این وظیفه، مدتی سردبیری مجلهٔ مهر را به عهده گرفت (۱۳۳۱-۱۳۳۲ش) و با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان نزدیکش، که جملگی به شخصیت‌های فرهنگی برجسته‌ای در حوزه‌های تخصصی خود تبدیل شدند: محمدتقی دانش‌پژوه؛ عباس زریاب‌خویی؛ منوچهر ستوده و مصطفی مقربی، مجلهٔ فرهنگ/ایران زمین را در ۱۳۳۱ش تأسیس کرد که انتشار آن تا سال ادامه یافته و از نشریه‌های معتبر در زمینهٔ مطالعات ایرانی است. ایرج افشار در ۱۳۳۳ش، زمانی که با کتابخانهٔ ملی ایران همکاری داشت، نخستین دفتر کتابهای/ایران را انتشار داد. این دفتر، سرآغاز تدوین و انتشار کتابشناسی ملی بود، اثری که باید بازنمای رسمی کتابهای انتشار یافته در کشور باشد و تا آن زمان هیچ نهاد دولتی به نشر آن اقدام نکرده بود. افشار، انتشار این فهرست سالانه را تقریباً به همان صورت تا ۱۳۴۵ش به مدت ۱۲ سال ادامه داد. به موازات این فعالیتها، مدتی (۱۳۳۳-۱۳۳۵ش) سردبیر مجلهٔ سخن و مدت طولانی‌تری هم (۱۳۳۴-۱۳۴۰ش) مدیر مجلهٔ کتابهای ماه بود. در ۱۳۳۵ش، زمینهٔ دیگری از فعالیت‌های ایرج افشار آغاز شد. احسان یارشاطر، مدیر بنگاه ترجمه و نشر کتاب که به سبب اشتغالات علمی ناگزیر بود بیشتر ایام سال را خارج از کشور به سر برد، سمت قائم‌مقامی این بنگاه انتشاراتی نوبنیاد را به افشار سپرد و او نزدیک به ۷ سال ادارهٔ آن بنگاه را در غیاب مدیر آن برعهده داشت. افشار در ۱۳۳۵ش به فرانسه سفر کرد و

در دوره‌ای آموزشی، که یونسکو بانی آن بود، با فن کتابداری جدید و موازین نوین و مبانی نظری علم کتابشناسی آشنا شد. گذراندن این دوره و تحولات نگرشی حاصل از آشنایی با دستاوردهای تازه کتابداری و کتابشناسی، به شاخه‌ای از فعالیت‌های افشار شکل داد. او حدود ۷ سال، تا ۱۳۴۲ش، به چند کار مختلف، اما مرتبط دست زد: تدریس کتابداری جدید در دانشسرای عالی، مدیری و سردبیری مجله *راهنمای کتاب* تأسیس باشگاه کتاب با همکاری یارشاطر، که با نام انجمن کتاب معروف است، و ارائه کردن خدماتی نو به دوستداران و خوانندگان کتاب، انتشار نشریه *نسخه‌های خطی* با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۵۷ - ۱۳۴۰ ش)، مدیریت کتابخانه ملی برای مدتی و آغاز کردن فعالیت‌های جدیدی در آن کتابخانه در زمینه سازماندهی نسخه‌های چاپی و خطی، مدیریت مرکز تحقیقات کتابشناسی دانشگاه تهران و چند کار دیگر مرتبط با این فعالیت‌ها که در ادامه مقاله به آنها اشاره خواهد شد. جلد نخست *فهرست مقالات فارسی*، حاوی داده‌های کتابشناختی ۶۰۰۰ مقاله به زبان فارسی در نشریه‌های ایران‌شناسی و فرهنگی ایران و خارج که افشار اندیشه تدوین آن را از سالها پیش از آن در سرداشت، در ۱۳۴۰ش انتشار یافت. این منبع مقاله شناخت نخستین ابزار مقاله‌شناختی فارسی بود که در اختیار پژوهندگان مطالعات ایرانی قرار گرفت و از جمله ابتکارهای ایرج افشار بود که گرچه قدر آن در آغاز کار در جامعه پژوهشی ایران درست شناخته نشد، اما با گذشت زمان، جایگاه خود را در مطالعات ایران‌پژوهشی تثبیت کرد. ایرج افشار در ۱۳۴۳ش مدیریت انتشارات دانشگاه تهران را به عهده گرفت و حدود ۷ سال در این سمت خدمت کرد. او در این نهاد، به سنتی که به ویژه پرویز ناتل خانلری، موسس انتشارات دانشگاه، بنا نهاده بود، غنا بخشید و کوشید استقلال انتشاراتی دانشگاه را در برابر مداخلاتی حفظ کند که شماری از دانشگاهیان متنفس به سود منافع شخصی خود و برخلاف رویه‌های دانشگاهی اعمال می‌کردند. سال بعد، در دوره ریاست جهان‌شاه صالح بر دانشگاه تهران، ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به او واگذار شد. افشار تا چند ماه پس از انقلاب، جمعاً حدود ۱۴ سال، اهتمام اصلی و مهم‌ترین وظیفه‌اش ایجاد، سازماندهی و تکمیل نخستین و در عین حال بزرگترین کتابخانه مرکزی دانشگاهی در کشور بود. کوشش‌های او در این سمت، الگوی ایجاد کتابخانه‌های مرکزی در دیگر دانشگاه‌های ایران قرار گرفت. او ۲ سال پس از آغاز کار خود در کتابخانه مرکزی، مجله *کتابداری* را در ۱۳۴۵ش تأسیس و منتشر کرد. این سال، حدوداً با تأسیس دوره کارشناسی ارشد علوم کتابداری در دانشگاه تهران و شروع آموزش دانشگاهی مبحث کتابداری جدید در ایران مقارن بود؛ در ضمن، استفاده از متخصصان خارجی در سازماندهی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و برپایی تازه‌ترین دستاوردهای جهانی کتابداری، پشتوانه مؤثری برای آغاز کتابداری دانشگاهی تازه تأسیس به شمار می‌رفت. به رغم اختلاف‌نظرهای بسیار میان افشار و شماری از مروجان اصول کتابداری جدید، که این دسته گاه به سبب ناآشنایی با ویژگی‌های فرهنگی جامعه خود، تفاوت‌های فرهنگی و ظرایف بومی را از نظر دور می‌داشتند، تداوم و گسترش فعالیت‌های کتابداری و کتابشناسی افشار، تأثیرهای خود را بر کارهای پژوهشی و فرهنگی، و به ویژه در مطالعات ایرانی، به تدریج نشان داد. ایرج افشار در ۱۳۴۸ش برای تدریس

اسناد تاریخی و تاریخهای محلی ایران به گروه تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد. او حدود ۱۰ سال، تا زمان بازنشستگی‌اش از دانشگاه تهران، نخست با مرتبه دانشجویی و سپس استادی، به تدریس در آن گروه ادامه داد، ضمن اینکه استاد درس شناخت نسخه‌های خطی در رشته علوم کتابداری همان دانشگاه هم بود و شماری از کتابداران، کتابشناسان و نسخه‌شناسان امروز کشور، که دوره تخصصی کتابداری را گذرانده‌اند، با شرکت در دوره‌های درسی ایرج افشار درباره شناخت نسخه‌های خطی، برای نخستین بار با جنبه‌ای مغفول از میراث تمدنی، که کتابداری اقتباسی و تقلیدی تا سالها به اهمیت و جایگاه آن کم توجه بود، آشنا شدند. از ۱۳۴۸ش تا حدوداً ۱۰ سال بعد، ایرج افشار به چند کوشش فرهنگی و تأثیرگذار دیگر دست زد، از جمله برگزاری ۹ کنگره پیاپی تحقیقات ایرانی در شهرهای مختلف دانشگاهی کشور با حضور شماری از ایران‌شناسان خارجی و پژوهشگران ایرانی، و نیز با مدیریت مجله ایران‌شناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (۱۳۵۱ - ۱۳۴۸ ش). در کنار اینها، فعالیت‌های فردی افشار در زمینه فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، کتابشناسی، تصحیح و انتشار اسناد و متون تاریخی و دنبال کردن علاقه‌های شخصیش در بخشهایی از تاریخ ایران، به ویژه دوره جدید تاریخ قاجار و از انقلاب مشروطه ایران به بعد، ادامه داشت که حاصل آن چندین اثر اوست. پس از انقلاب ۱۳۵۷ش، و آغاز دوره بازنشستگی ایرج افشار، مرحله تازه‌ای از زندگی و فعالیت‌های پژوهشی، فرهنگی و انتشاراتی او آغاز شد که تا زمان درگذشت ایشان ادامه داشت و ثمره آن شاید از جهاتی پربارتر و متنوع‌تر از پیش باشد. آزاد شدن افشار از تعهدات شغلی و بیشتر شدن اوقات فراغت او، عامل اصلی همین تکرر و تنوع آثار منتشر شده او از انقلاب به بعد است. افشار انتشار مجله آینه را، که پیشتر پدرش انتشار می‌داد، از سرگرفت. این مجله که کم و بیش ادامه دهنده مشی مجله راهنمای کتاب بود، تا ۱۳۷۲ش ادامه یافت، اما به سبب موانع انتشار نشریه‌های فرهنگی بی‌بهره از یارانه‌ها متوقف شد. افشار مسئولیت انتشارات را در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار خود به عهده گرفت و به گردآوری و انتشار کتابها و مقاله‌های پژوهشی در سلسله انتشارات این بنیاد در زمینه مطالعات ایران‌شناسی ادامه داد. ایرج افشار به تألیف کتاب و مقاله، شرکت در همایشهای داخلی در زمینه مسائل ایران‌شناسی و کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، نگارش مرتب و مداوم نکته‌ها و یادداشتها در همه زمینه‌های مورد علاقه‌اش و انتشار آنها در نشریاتی چون گزارش میراث، آینه میراث، کلک، بخارا و... نظارت بر تدوین فهرست مقالات فارسی و تکمیل و تداوم انتشار مجلدات آن، نظارت بر انتشار آثار متعدد در گستره مطالعات تا پایان زندگی ادامه داد. بنا به برآوردها، تا این زمان حدود ۳۰۰ کتاب در زمینه‌های ایران‌پژوهی، نسخه‌شناسی، کتاب‌شناسی، فهرست‌نگاری، قاجارشناسی، رجال‌شناسی، اطلاع‌رسانی فرهنگی، متون کهن فارسی و شاید بیش از ۲۰۰۰ مقاله و یادداشت از او در همین زمینه‌ها و نیز درباره رجال فرهنگی ایران در دوره معاصر، ایران‌شناسان خارجی، معرفی و نقد کتاب، نکات و اسناد تاریخی، جغرافیای تاریخی، باستان‌شناسی، سفرنامه، گاه نکات ادبی و عرفانی، با تأکید بر ارزش‌های ادبی و زبان فارسی، انتشار یافته است و شماری نیز در دست تألیف،

تکمیل و انتشار است. از تکرر و تنوع این همه آثار، شاید در وهله نخست این طور به نظر برسد که ایرج افشار در زمینه‌های پراکنده‌ای کار کرده است. بررسی دقیق‌تر آنچه به قلم و به اهتمام او انتشار یافته است، نشان می‌دهد رشته پیوسته‌ای که این همه مهره را به هم پیوند می‌دهد، چیزی جز اطلاع‌رسانی فرهنگی در زمینه مطالعات ایرانی نیست. تأکید افشار بر تدوین و انتشار منابع ردیف سوم و دوم اطلاعاتی، مانند و انواع کتابشناسیها و فهرستها، گاه گشودن و گاه هموار کردن راه پژوهشگران مطالعات ایرانی است. تلاشهای افشار در این زمینه، درخور مطالعه‌ای خاص در مبحث اطلاع‌رسانی فرهنگی و راه و روشهای خاص او در این زمینه است. تخصص و اطلاعات شخصی افشار در زمینه رویدادها و رجال ایران از دوره مشروطیت به بعد، موجب شده است که جنبه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی در کار او درباره رویدادها و رجال این دوره از غنای بیشتری برخوردار باشد. مجموعه اطلاعاتی که افشار از منابع مختلف درباره سیدحسن تقی‌زاده، از رهبران جنبش مشروطه، گرد آورده و انتشار داده است، جدا از ارزشهای خاص آن در باره شناخت خود تقی‌زاده، از بارزترین فعالیت‌های او در زمینه اطلاع‌رسانی فرهنگی معاصر ایران است. مجموعه نوشته‌ها، یادداشتهای، اشارها و گردآورده‌های او درباره دکتر محمدمصطفی، گرچه نه در حد آثارمربوط به تقی‌زاده می‌باشد، نمونه دیگری از کوشش گسترده او در قلمرو اطلاع‌رسانی فرهنگی معاصر است. جنبه دیگر کمتر شناخته شده تکاپوهای فرهنگی افشار، ارائه مشورت‌های فرهنگی - پژوهشی و پیشنهادها و به شمار کثیری از ایران‌شناسان و نهادهای ایران‌شناسی خارجی و پژوهشگران و دانشجویان و نهادهای ایران‌پژوهی و کتابشناسی و نسخه‌شناسی داخلی و خارجی است. افشار در رهنمود دادن و هدایت بسیاری از پژوهشها، جست و جوها، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، همایشهای فرهنگی - پژوهشی و ایجاد ادبیات مربوط به این حوزه‌ها سهم مؤثر داشته و در عین حال به سان حلقه رابطی میان روندهای پژوهشی ایران‌شناسی داخل و خارج کشور عمل کرده است. سهم پیدا و ناپیدای او در این عرصه، تا خاطرات بهره‌مندان از همکاری او منتشر نشود و به اطلاع عموم نرسد، طبعاً ناشناخته باقی خواهد ماند. *ارج‌نامه / ایرج* (به کوشش محسن باقرزاده، تهران، ۱۳۷۷ش، ۲ ج) در گرامی‌داشت خدمات ایرج افشار و حاوی نکاتی چند در شناخت بهتر خود او و آثار او و همچنین حاوی مقالاتی پژوهشی است که دوستدارانش بدو تقدیم کرده اند. مجموعه دیگری با عنوان ایران و مطالعات ایرانی، مقاله‌هایی به افتخار ایرج افشار ۱ (به کوشش کامبیز اسلامی: کتابدار دانشگاه پرینستن، حاوی ۲۱ مقاله به انگلیسی و یک مقاله به فرانسوی به قلم ایران‌شناسان خارجی و چند تن از استادان ایرانی دانشگاههای خارج، پرینستن، ۱۹۹۸م/ ۱۳۷۷ش) در بزرگداشت خدمات و آثار اوست. ایرج افشار از ایران‌گردان اندک شماری است که سراسر خاک ایران و بخشهای مهم نواحی فارسی زبان خارج از ایران را در قلمرو مرزهای ایران فرهنگی سواره و پیاده، با مطالعات قبلی و آگاهی از ارزشهای آنها، گاه همراه با افراد مطلع و محلی و گاه به تنهایی دیده، درباره آنها یادداشت‌برداری کرده و از آنها عکس گرفته و بخشی از یادداشتهای و عکسها را در نشریه‌های مختلف انتشار داده است. مشاهدات و روایت‌های او در این باره، شاید از برخی جهات از منابع دست اول مطالعات ایرانگردی به شمار آید.

دقتهای علمی و پژوهشی افشار در حوزه مطالعات خود، طی زمان و با افزایش دانش و تجربه او بارزتر شده ایرج افشار کتابخانه شخصیش را، که مجموعه ای غنی و تخصصی به ویژه در زمینه کتابشناسی و ایران شناسی است، به مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی اهدا کرده است. این مجموعه حدوداً بالغ بر ۳۰۰۰۰ فقره خطی و چاپی است. از این تعداد، جز کتابها و مجلدات و نشریات، حدود ۶۰۰۰ فقره شامل جزوه، رساله، برگرفته، جدانشرها از مجموعهها و نشریات است که شمار بسیاری از آنها حاوی اطلاعات باارزش و گاه کم نظیر است. بیش از ۱۰۰۰۰ قطعه عکس از شخصیتها، بناها، آثار تاریخی، مناظر و جز آن که ایرج افشار شخصاً برداشته و شماری از آنها در نوع خود تصویرهایی منحصر به فرد است، و حدود ۱۰۰۰۰۰ نامه هم از رجال معاصر، از ایرانشناسان خارجی، شخصیتهای فرهنگی ایرانی از صنوف مختلف، که بخشی از آنها ارزشهای تاریخی و ادبی دارد، جزو همین مجموعه است. در ضمن چند مجموعه که صاحبان اصلی آنها در اختیار ایرج افشار قرار داده و او را درباره مجموعه مخیر شناخته بودند، مانند مجموعه متعلق به سید حسن تقی زاده و الهیار صالح، حاوی بسیاری مطالب باارزش تاریخی و پژوهشی، جزو مجموعه اهدا شده ایرج افشار به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است. مأخذ: افشار، بابک؛ و دیگران، فهرست موضوعی از چاپکردهها و نوشتههای ایرج افشار، چ ۴، لوس آنجلس، ۲۰۰۳م/۱۳۸۲ش؛ نامه‌های مستعار، تهران، ۱۳۸۱ش

1. Iran and Iranian Studies; Essays in Honour of Iray Afshar